حادثه‌ها

بررسی تیراندازی کانون اصلاح و تربیت یاسوج در دادسرای نظامی

● دادستان نظامی کهگیلویه‌وبویراحمد گفت: علل و عوامل وقوع حادثه مرگ‌بار در کانون اصلاح و تربیت یاسوج در دست بررسی است. علیرضا شیخ‌علی توضیح داد: اینکه قاتل خودش را کشته و چون انگیزه یک موضوع درونی است، کار را سخت کرده است. وی با بیان اینکه علت این حادثه مشخص نیست، اظهار کرد: هر نوع عاملی از جمله روحی و روانی امکان دارد در رخ‌دادن این حادثه دخیل باشد. دادستان نظامی کهگیلویه‌وبویراحمد خاطرنشان کرد: بررسی این حادثه در صلاحیت دادسرای نظامی است و قول می‌دهیم با سرعت، دقت، ظرافت و قاطعیت این موضوع پیگیری شود. شیخ‌علی تصریح کرد: پس از وقوع این حادثه به همراه بازپرس دادسرای نظامی در محل وقوع حادثه حاضر شدیم و با راهنمایی و ارشاد رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح کشور و استان، رئیس کل دادگستری استان و دادستان عمومی و انقلاب، شورای تأمین شهرستان بویراحمد و استان، علل و عوامل در دست بررسی قرار گرفت. وی با بیان اینکه هم‌اکنون وضعیت کانون اصلاح و تربیت یاسوج عادی است، ادامه داد: حادثه تیراندازی در کانون اصلاح و تربیت یاسوج، چهار کشته در پی داشت و هیچ‌کس در این حادثه زخمی نشده است. دادستان نظامی کهگیلویه‌وبویراحمد از خانواده مقتولان به‌خاطر همکاری خوب برای برقراری نظم و امنیت تشکر کرد. ساعت ۲۲ جمعه یک سرباز وظیفه به نام «ا- پ» در کانون اصلاح و تربیت یاسوج با اسلحه کلاشنیکف اقدام به کشتن سه سرباز وظیفه دیگر به نام‌های «حامد آهون»، «حسین یزدان‌پناه» و «افشین کمالی» کرد و در پایان به زندگی خود نیز پایان داد.

مهار آتش‌سوزی در تعمیرگاه موتورسیکلت

● آتش‌سوزی در تعمیرگاه موتورسیکلت با تلاش آتش‌نشانان مهار و خاموش شد. به گزارش پایگاه خبری ۱۲۵، با اطلاع‌رسانی این حادثه به سامانه ۱۲۵ از سوی شهروندان، بلافاصله آتش‌نشانان ایستگاه‌های ۶۵ و ۲۸ با هماهنگی ستاد فرماندهی در ساعت ۸:۳۵ صبح امروز به محله فلاح، خیابان ابوذر، خیابان شهید ورزدار اعزام شدند. غلامرضا قاسمپور، رئیس ایستگاه ۲۸ آتش‌نشانی، دراین‌باره گفت: یک تعمیرگاه موتورسیکلت که در طبقه همکف یک ساختمان مسکونی سه‌طبقه قرار داشت، به علت نامعلومی ناگهان آتش گرفت و احتمال داشت شعله‌های آتش هر لحظه به واحدهای مسکونی در طبقات بالایی سرایت کند. وی با اعلام اینکه هنگام بروز آتش‌سوزی تعمیرگاه تعطیل بود، ادامه داد: نیروهای آتش‌نشانی به‌سرعت قسمتی از کرکره تعمیرگاه را با استفاده از ابزار مخصوص برش داده و پس از قطع جریان برق با به‌کارگیری تجهیزات مخصوص و لوله‌های آبرسانی وارد محل حادثه شدند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن آتش‌سوزی را مهار و کاملا خاموش کردند. رئیس ایستگاه ۲۸ آتش‌نشانی خاطرنشان کرد: با حضور به‌موقع آتش‌نشانان از سرایت آتش‌سوزی به واحدهای تجاری اطراف و ساختمان مسکونی در طبقات بالایی این تعمیرگاه جلوگیری شد. وی با اشاره به اینکه این حادثه مصدومی نداشت، تصریح کرد: علت بروز این حادثه به وسیله کارشناسان آتش‌نشانی در دست بررسی است.

کلاهبرداری میلیونی فروشنده قلابی

● فروشنده قلابی که در فضای مجازی صد میلیون ریال از یک شهروند کرمانی کلاهبرداری کرده بود، با تلاش کارآگاهان پلیس فتا شناسایی و دستگیر شد. سرهنگ کامبیز اسماعیلی، رئیس پلیس فتای کرمان، دراین‌باره گفت: در پی شکایت فردی مبنی بر کلاهبرداری صدمیلیون‌ریالی از وی در فضای مجازی پرونده‌ای در این خصوص در پلیس فتا تشکیل شد. وی در تشریح جزئیات این پرونده افزود: شاکی با مشاهده تبلیغات فروش ماشین‌های تریلر و کامیون در یک سایت اینترنتی با توجه به شرایط مناسب و قیمت ارزان آن ترغیب به ثبت‌نام برای خرید شد. اسماعیلی ادامه داد: در پی این ماجرا شاکی با فروشنده تماس گرفت و فروشنده قلابی نیز برای پیش‌پرداخت، مبلغ صد میلیون را از طعمه خود درخواست و شاکی نیز مبلغ را به حساب وی واریز کرد. وی اظهار کرد: بعد از گذشت مدتی، شاکی چندین مرتبه برای پیگیری ادامه روند خرید ماشین با فروشنده قلابی تماس گرفت اما موفق به برقراری ارتباط دوباره با او نشد و به وقوع کلاهبرداری پی برد. سرهنگ اسماعیلی گفت: در ادامه کارشناسان پلیس فتا با توجه به توان علمی و با استفاده از امکانات فنی و پلیسی موفق به شناسایی و دستگیری متهم شدند که متهم با توجه به مستندات موجود، راهی جز اعتراف در مقابل خود ندید. رئیس پلیس توصیه کرد: هیچ‌گاه به فروشندگانی که در فضای مجازی قیمت‌هایی بسیار پایین‌تر از نرخ‌های واقعی کالاها را تبلیغ می‌کنند، اعتماد نکنید و حتما دقت داشته باشید که مبلغ درخواستی را پس از رؤیت کالا و بر اساس قراردادهای قانونی پرداخت کنید و هرگز بلافاصله وجه را به حساب فروشنده واریز نکنید.

بخشش بعد از ۳ بار رفتن پای چوبه‌دار

شرق: گذشت اولیای دم از قصاص مردی که به قتل دوستش متهم شده بود، او را چنان تحت‌تاثیر قرار داد که اعلام کرد، بعد از آزادی از زندان، می‌خواهد سفیر صلح و دوستی شود. به گزارش خبرنگار ما، مأموران هفت سال قبل، متوجه شدند جسد مردی جوان در کارگاهش پیدا شده است. وقتی پلیس به محل رسید و تحقیقات خود را آغاز کرد؛ متوجه شد مقتول شریکی داشته که در کارگاه با هم کار می‌کردند و مشکل خاصی با هم نداشتند. آثار جراحت روی بدن مقتول، نشان می‌داد او با فردی درگیر و همین درگیری‌ها منجر به وارد آمدن ضربه‌ای به گردن و سپس مرگ شده است. چند ماه بعد از این حادثه، وقتی از همسر مقتول بازجویی شد، به پلیس گفت؛ از مدتی قبل شریک شوهرش به نام کامران برای این زن مزاحمت ایجاد می‌کرد و فکر می‌کند، کامران عامل این قتل باشد. به‌این‌ترتیب کامران هفت ماه بعد از حادثه، بازداشت شد. او به قتل دوستش اعتراف کرد و گفت: مدتی بود با هم اختلاف داشتیم و همین درگیری‌ها، باعث شد روز حادثه با چاقو به او حمله کنم و ضربه‌ای به او بزنم. البته قبول دارم با همسر او ارتباطی داشتم؛ اما این ارتباط خیلی هم جدی نبود و من حرف‌هایی را که این زن گفته است، قبول ندارم. کیفرخواست با توجه به مدارک موجود در پرونده و شکایت اولیای دم، صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. متهم پای میز محاکمه رفت و با توجه به درخواست اولیای دم، رأی قصاص او صادر شد. حکم صادره به تأیید دیوان‌عالی کشور رسید و نام کامران در لیست اعدامیان قرار گرفت. او سه بار پای چوبه‌دار رفت و هربار اولیای دم به او مهلتی دوباره دادند؛ تا اینکه درنهایت موفق به جلب رضایت اولیای دم شد. متهم روز گذشته برای رسیدگی به پرونده‌اش، به لحاظ جنبه عمومی

جرم، پای میز محاکمه رفت. بعد از اینکه نماینده دادستان درخواست رسیدگی به این پرونده را داد، متهم در جایگاه قرار گرفت. او اتهام را قبول کرد و گفت: یک هفته‌ای می‌شد با دوستم درگیری و اختلاف مالی داشتیم و همین هم باعث شده بود، نسبت به هم کینه به دل بگیریم. روز حادثه وقتی که به کارگاه رفتم، دوباره با هم جروبحث کردیم و من هم از کوره در رفتم و با هم درگیر شدیم. در درگیری به زمین افتادیم و به‌هم پیچیدم. و چاقویی که دستم بود، به گردنش برخورد کرد. متهم در پاسخ به این سؤال که آیا ادعای همسر مقتول درباره اینکه با هم ارتباط داشتید و به همین خاطر هم دست به قتل زدی را قبول داری، گفت: من این حرف را قبول ندارم البته منکر ارتباط نمی‌شوم؛ اما برای بودن در آن رابطه، نیازی نبود آدم بکشم. من از کاری که کرده‌ام، خیلی پشیمان هستم. در زندان به کلاس قرآن و اخلاق رفتم و نامه حسن رفتار دارم. من سه بار پای چوبه‌دار رفتم. شاید تصور آن ممکن نباشد؛ اما این سه‌بار انگار اعدام شدم و مردم. در شب قبل از اجرای حکم، هیچ‌کس به‌جز خود اعدامی، نمی‌داند به او چه می‌گذرد. من توبه کردم و از خداوند درخواست بخشش کردم و واقعا به این توبه پایبند بودم. به‌همین‌خاطر خداوند دل اولیای دم را نرم کرد تا رضایت بدهند. قصاص حق آنها بود؛ اما من را بخشیدند. وقتی آنها رضایت دادند، با خودم فکر کردم باید خمس و ذکات این زندگی دوباره را بدهم. به‌همین‌خاطر هم تصمیم گرفته‌ام بعد از آزادی از زندان، سفیر صلح و دوستی بشوم و به میان مردم بروم و تجربه خودم را از این سال‌ها، بگویم و آنها را دعوت به آشتی و گذشت کنم. متهم گفت: من برای جلب رضایت برای هم‌بندی‌های خودم و افرادی که دعوا می‌کنند، هر کاری لازم باشد، انجام می‌دهم. از شما هم خواهش می‌کنم به مناسبت عید قربان و غدیر و با توجه به اینکه میان این دو عید هستیم، از مجازات من به‌لحاظ جنبه عمومی جرم گذشت کنید. من هرچه داشتم به اولیای دم دادم و حالا زیر صفر هستم. از زندان بیرون بیایم باید کار کنم تا بدهی‌هایم را بدهم و دوباره زندگی بسازم. درخواست دارم به من کمک کنید. بعد از متهم، وکیل مدافع او نیز دفاعیات خود را مطرح کرد و در پایان هیأت قضات برای صدور رأی، وارد شور شدند.

زن متهم به شوهرکشی از اولیای دم درخواست بخشش کرد

به جوانی‌ام رحم کنید

شرق: زنی که حین درگیری با شوهرش او را به قتل رسانده است در جلسه دادگاه به پای پدرشوهرش افتاد و طلب بخشش کرد.به گزارش خبرنگار ما، پنجم تیر سال۹۴ از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ وقوع یک فقره نزاع منجر به جرح به کلانتری نارمک اعلام و با حضور مأموران کلانتری در محل و انجام بررسی‌های اولیه مشخص شد جوانی ۲۶ساله، در نزاع با همسرش مورد اصابت چاقو قرار گرفته است که بلافاصله این شخص به وسیله اورژانس به بیمارستان منتقل و پس از ساعاتی اعلام شد که به علت اصابت ضربه جسم تیز به ناحیه حساس سینه فوت کرده است. با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع قتل عمد، پرونده برای رسیدگی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. متهم پس از حضور در اداره دهم به درگیری با همسرش و پرتاب ضربه چاقو به سمت وی اعتراف کرد و در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: از چندی پیش به رفتارهای همسرم مشکوک شده بودم؛ شب حادثه از وی خواستم تا به بهانه تماس، گوشی تلفن همراهش را به من بدهد اما او از دادن گوشی ممانعت کرد و همین موضوع باعث آغاز جروبحث میان ما شد؛ ناگهان همسرم به سمت من حمله‌ور شد و موهای سرم را کشید؛ من نیز که در آن لحظه کنترل خود را از دست داده بودم، ضربه‌ای را با چاقوی آشپزخانه به سمت او پرتاب کردم که به سینه‌اش برخورد کرد. درحالی‌که چاقو داخل سینه‌اش جا مانده بود، همسرم به سمت راه‌پله‌ها حرکت کرد و در راه‌پله روی زمین افتاد؛ صاحبخانه پس از اطلاع از موضوع، بلافاصله با ۱۱۰ و اورژانس تماس گرفت و همسرم را به بیمارستان بردیم اما او پس از مدت کوتاهی فوت کرد و مرا نیز به کلانتری بردند. با توجه به این اعترافات بود که کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه چهار دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشته در جلسه رسیدگی به این پرونده ابتدا نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و خواستار صدور حکم قانونی شد سپس پدر و مادر مقتول در جایگاه حاضر شدند و از طرف خود و نوه سه‌ساله‌شان درخواست قصاص کردند. پدر مقتول گفت: من آن‌قدری که به این دختر محبت می‌کردم به دختر خودم محبت نمی‌کردم و همیشه به فکر زندگی آنها بودم؛ پسرم خیلی خوب بود و تکیه‌گاه من بود؛ من درخواست قصاص دارم و رضایت هم نمی‌دهم. وقتی نوبت به متهم رسید او گفت: من به شوهرم مشکوک شده بودم گوشی تلفن را زمین نمی‌گذاشت و مرتب با کسی در تماس بود به او گفتم گوشی را بده، نداد و گفتم می‌خواهم تلفن کنم؛ گفت این گوشی مال من است و نمی‌دهم با هم جروبحث کردیم من دستش را گاز گرفتم که گوشی را بگیرم و او هم من را زد؛ به آشپزخانه رفتم چاقو را برداشتم تا دوباره من را نزند. اصلا قصدم، کشتن او نبود؛ فقط با خودم گفتم تهدیدش می‌کنم تا این‌طوری از خانه بیرون برود و دعوا تمام شود؛ چاقو را پرت کردم. به جان فرزندم قسم می‌خورم که قصد کشتن نداشتم.

زن جوان درحالی‌که به‌شدت گریه می‌کرد به پای پدرشوهرش افتاد و گفت: به جوانی‌ام رحم کن به خاطر دخترم من را ببخش؛ من قصد کشتن او را نداشتم و فقط یک حادثه بود؛ اما پدر مقتول راضی به گذشت نشد.

سپس متهم در جایگاه حاضر شد و دفاعیات آخر خود را بیان کرد و گفت: از کاری که کرده‌ام خیلی پشیمان هستم؛ درخواست بخشش دارم و از پدر همسرم می‌خواهم به‌جای پدری که در کودکی از دست دادم برایم پدری کند و من را ببخشد.

با پایان جلسه دادگاه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

گفت‌وگو با یک قاتل

از کشتن دخترم پشیمان نیستم

مردی که دخترش را به قتل رسانده در حالی در بازداشت به سر می‌برد که می‌گوید برای حفظ آبرویش این کار را انجام داده و از ارتکاب قتل پشیمان نیست. این مرد که حسن نام دارد، در گفت‌وگویی با میزان داستان زندگی‌اش را توضیح داده است.

قبل از هر چیز درباره شرایط خانوادگی‌ات توضیح بده.

در خانواده‌ای در اوج فقر متولد شدم. از وقتی چشم باز کردم و دنیا را شناختم، مجبور بودم برای یک لقمه نان کار کنم. نه محبت مادری و نه نگاه پدری، هیچ کدام متوجه من نبود. از جمع‌کردن ضایعات شروع کردم تا به دست‌فروشی کنار خیابان رسیدم. ۱۵ساله بودم که ازدواج کردم. این زندگی دو سال بیشتر دوام نیاورد و از همسرم جدا شدم. هردومان بچه بودیم و نمی‌دانستیم ازدواج یعنی چه؟ چند سالی گذشت تا باز دوباره ازدواج کردم. این بار زندگی‌ام بد نبود ولی همسرم صاحب فرزند نمی‌شد. دوا و درمان کردیم ولی فایده‌ای نداشت و به اجبار از هم جدا شدیم. بار دیگر با زنی آشنا شدم و با هم ازدواج کردیم. حاصل این ازدواج دختری به نام نسترن بود. بعد از مدتی متوجه شدم همسر سومم به مواد مخدر اعتیاد دارد. چند بار ترکش دادم، اما فایده نداشت. شیشه مصرف می‌کرد و رفتارهایش خطرناک بود. به خاطر نسترن از همسرم جدا شدم و سرپرستی نسترن را بر عهده گرفتم و تمام تلاشم این بود در زندگی کمبودی نداشته باشد.

دیگر ازدواج نکردی؟

تا ۱۵سالگی دخترم صبر کردم و این بار با زنی ازدواج کردم که سه فرزند داشت. هم‌زمان یکی از اقوام این زن از نسترن خواستگاری کرد. نسترن پسر جوان را دوست داشت و با اصرارهای او با ازدواجشان موافقت کردم. همسر چهارم با برنامه وارد زندگی‌ام شده بود و می‌خواست اموالم را تصاحب کند. من او را طلاق دادم. یک روز دامادم به خانه‌ام آمد و گفت: نسترن را طلاق داده است و ادعا می‌کرد نسترن با مردان غریبه ارتباط داشته و به همین دلیل تصمیم گرفته بی‌سروصدا دخترم را طلاق دهد.

تو چه کار کردی؟

باورم نمی‌شد. نسترن دختر خوبی بود. فکر کردم، دامادم می‌خواهد با این تهمت از پرداخت مهریه فرار کند. نسترن را به خانه خودم آوردم. او از طلاق نه‌تنها ناراحت نبود، بلکه خوشحال هم بود. چند ماه گذشت. رفتارهای نسترن مشکوک بود و تا دیروقت بیرون خانه می‌ماند. چند بار با او حرف زدم و خواستم این رفتارش را کنار بگذارد و به فکر آبروی من هم باشد. حتی او را پیش مشاور بردم. چند نفر از بستگان نیز واسطه شدند و با او صحبت کردند اما فایده‌ای نداشت. یک روز نسترن به من گفت تصمیم گرفته در یکی از شرکت‌های شهرهای اطراف به عنوان منشی مشغول به کار شود. هر چه به او گفتم زندگی در شهرهای بزرگ مشکلات فراوانی دارد، گوشش بدهکار نبود. آدرس شرکت را گرفتم و یک روز سرزده برای تحقیق به آنجا رفتم. روابط کارکنان در آنجا کنترل‌شده نبود و با شناختی که از دخترم داشتم، با رفتن او مخالفت کردم.

نسترن چه واکنشی نشان داد؟

نسترن دختری سرکش بود و هر وقت کاری برخلاف میلش انجام می‌دادم، لجبازی‌اش صدبرابر می‌شد و من را تهدید به خودکشی می‌کرد. یک بار زمانی که هنوز ازدواج نکرده بود، رگ دستش را زد که به‌موقع متوجه شدیم و نجاتش دادیم. در زمان ازدواجش نیز چون شوهرش چندان توجهی به او نداشت و از کمبود محبت رنج می‌برد، با خوردن قرص قصد خودکشی داشت که موفق به انجام این کار نشد. این بار برای اینکه بلایی سر خودش نیاورد، برخلاف میلم مجبور شدم او را در خانه حبس کنم. چون دیگر طاقت نداشتم. او با آبروی من بازی می‌کرد. دیگر هر وقت کاری داشت، خودم او را بیرون می‌بردم. روزی با او برای خرید به بیرون رفتیم. به داروخانه رفت و به بهانه خرید قرص سردرد، قرص اعصاب گرفت. فردای آن روز دیدم ظهر شده ولی نسترن هنوز از خواب بیدار نشده، از روی کنجکاوی به اتاقش رفتم و صدایش کردم. فایده‌ای نداشت. بدنش را تکان دادم، اما بیهوش بود. فهمیدم باز هم قرص مصرف کرده است. برگه‌ای در زیر بالش گذاشته بود. شروع به خواندن آن برگه کردم. نوشته بود از من بدش می‌آید و به علت مخالفت‌های من با کارهایش، با خوردن قرص خودکشی کرده است. با خواندن آن نوشته، عصبانی شدم و با دستان خودم خفه‌اش کردم.

بعد چه کردی؟

با پلیس تماس گرفتم و خودم را تسلیم کردم.

پشیمان نیستی؟

چرا باید پشیمان باشم؟ من به نسترن خیلی فرصت دادم تا رفتارش را اصلاح کند، اما او همچنان به رفتارش ادامه داد. من هم یک لکه ننگ را از زندگی‌ام پاک کردم. نسترن قدر محبت و توجه‌های من را ندانست و به مسیری که خودش دوست داشت، رفت و بر رفتارش اصرار کرد.

رخداد

۷ مصدوم در پی انفجار کارخانه روغن‌سازی

● هفت نفر در پی انفجار تانکر حامل روغن در کارخانه روغن‌سازی جاده رامشان مصدوم شدند که حال سه نفر از آنها وخیم گزارش شده است. ساعت ۱۱:۲۴ دیروز با اعلام خبر انفجار تانکر حامل حلال روغن در کارخانه روغن‌سازی، جاده رامشان روبه‌روی روستای حسین‌آباد محدوده جاده قدیم قزوین-رشت بلافاصله تیم‌های فوریت پزشکی و آمبولانس پایگاه‌های آقابابا، کوهین، عوارضی ۴ و صفا به محل حادثه اعزام شدند. حادثه هفت مصدوم بر جای گذاشته است که حال سه نفر از آنها وخیم است. سه نفر از مصدومان بدحال دچار سوختگی بین ۹۰ تا صددرصد، یعنی سوختگی درجه سه شدند و دو نفر هم دچار سوختگی ۵۰ درصد درجه دو و یک نفر هم دچار سوختگی ۱۰ درصد درجه دو شده‌اند. البته میزان آسیب یک نفر دیگر هم در دست بررسی است. تمامی مصدومان به وسیله آمبولانس‌های اورژانس ۱۱۵ به مرکز آموزشی درمانی شهید رجایی منتقل شدند که حال سه نفر از مصدومان وخیم گزارش شده است. بنابر اعلام روابط عمومی اورژانس کشور، علت حادثه به گفته عوامل شرکت، انفجار ماده حلال روغن حین انتقال به داخل تانکر کامیون بوده است.

زن بحرینی مفقودشده در مشهد پیدا شد

● زن تبعه بحرین که در سفر به مشهد مفقود شده بود، با پیگیری کارآگاهان پلیس به آغوش خانواده بازگشت. سردار بهمن امیری‌مقدم فرمانده انتظامی خراسان رضوی با بیان اینکه این زن همراه خانواده خود از بحرین به مشهد آمده بود، افزود: این زن به علت برخی مشکلات مالی و خانوادگی بدون اطلاع خانواده از محل اقامت خود خارج و مفقود شده بود. وی اظهار کرد: در پی اعلام مفقودشدن این زن ۴۴ساله در یکی از هتل‌های بزرگ مشهد، تحقیقات پلیسی به صورت گسترده انجام و در بررسی‌های اولیه مشخص شد این زن به دلیل مشکلات خانوادگی و مالی از خانواده جدا شده و محل اقامت خود را در هتل ترک کرده است.وی گفت: کارآگاهان با پیگیری‌های علمی به سرنخ‌هایی دست یافتند که منجر به ردزنی و شناسایی محل اقامت این زن ۴۴ساله شد. سردار امیری‌مقدم افزود: این تبعه بحرینی این مدت در خانه زنی که در این سفر با وی آشنا شده بود، به سر می‌برد.